

روایت نماینده بازنشستگان مس از یک سال تنش و پیگیری؛

تصمیم خام دولتی کردن صندوق بازنشستگی مس

گروه اقتصاد: بیش از یک سال است که دولت تلاش دارد تا با تغییر اساسنامه صندوق بازنشستگی مس، این صندوق را به زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی الحاق کند. موضوعی که تاکنون با واکنش‌های زیادی از سوی بازنشستگان مس و ذینفعان این صندوق مواجه بوده و آن‌ها بارها مخالفت خود را از طریق نمایندگان خود در کانون بازنشستگان، موسسه صندوق بازنشستگی و مقامات شرکت مس و با ایجاد تجمعات مطرح کرده‌اند.

برای این که بدانیم ماجرا از کی شروع شده و تا کنون برای حل این مشکل چه مراحل طی شده و این اتفاق ممکن است چه تبعاتی داشته باشد با آقای حمید زارع از افراد فعال و مطلع در این حوزه وارد گفت‌وگو شدیم تا روایت او را از یکسال تنش در مجموعه بازنشستگان این صنعت مهم در اقتصاد ایران بشنویم.

هفته‌نامه استقامت در راستای مسئولیت حرفه‌ای خود، کوشش می‌کند این موضوع را در گفت‌وگو با سایر افراد فعال و آگاه در این حوزه دنبال کند تا از این طریق ضمن حمایت از حقوق بازنشستگان مس، به بازکردن گره این مشکل هم کمکی کرده باشد. از این رو، امیدواریم همه‌ی آن‌هایی که در دولت، مجلس، کانون بازنشستگان، صندوق بازنشستگی و شرکت ملی مس به دنبال رفع این مشکل و تنش‌های ناشی از آن در بدنه‌ی نیروهای بازنشسته مس هستند ما را در انجام پر و پیمان این خدمت رسانه‌ای یاری کنند.

در این مرحله، گفت‌وگو را با آقای حمید زارع رئیس هیات مدیره کانون بازنشستگان مس و عضو هیات مدیره صندوق بازنشستگی مس آغاز کردیم، که به تفصیل به شرح ماجرا پرداختند. وی با توضیح این‌که موضوع الحاق صندوق بازنشستگی مس به وزارت رفاه به مکاتباتی در سال‌های گذشته برمی‌گردد که بین شرکت مس، صندوق بازنشستگی و وزارت رفاه شکل گرفته است، این الحاق را نادرست و عین تصرف مال بخش خصوصی از سوی دولت دانست.

زارع دلیل اصلی مخالفت مشارکین صندوق مس با این الحاق را وضعیت وخیم صندوق‌های بازنشستگی که زیر نظر وزارت رفاه هستند، می‌داند و می‌گوید که اگر این کار انجام شود، به زودی صندوق بازنشستگی مس نیز به حال و روز صندوق‌های دیگر دچار می‌شود.

وی در گفت‌وگو با خبرنگار استقامت در توضیح چگونگی شکل‌گیری مصوبه شورایی رفاه برای اصلاح اساسنامه و انتقال صندوق بازنشستگی مس به زیرمجموعه وزارت رفاه، توضیح داد: «آنچه که ظاهر موضوع است این است که قانون ساختار نظام جامع تأمین اجتماعی که سال ۱۳۸۲ به تصویب مجلس رسید، و به نظر من برای تمام صندوق‌ها لازم است، یک نقش نظارتی و تنظیم‌گری برای صندوق‌های بازنشستگی به دولت می‌دهد. دولت در تمام کشورها باید در تنظیم‌گری نقش داشته باشد و حداقل وظیفه دولت‌ها در همه زمینه‌ها، نظارت و تنظیم‌گری است.»

وی خاطرنشان کرد: «ماده ۱۷ قانون ساختار نظام جامع تأمین اجتماعی به دولت این اختیار را داده که اساسنامه موسسات و صندوق‌های بازنشستگی دولتی، عمومی و وابسته به دولت را تغییر بدهد. اگر قانون را مطالعه کنید و یا به مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی که منجر به تصویب این قانون شده است، مراجعه کنید، این ماده قانونی شامل صندوق‌های دولتی می‌شده که از دولت کمک می‌خواستند یا کمک می‌گرفتند. البته در سازمان تأمین اجتماعی عملاً نمی‌توان گفت وجوهی که دولت به تأمین اجتماعی می‌پردازد کمک است، بلکه بیشتر رد دیون است، یعنی دولت به تأمین اجتماعی بدهکار بوده است. اما به‌طور کلی در مورد پول‌هایی که دولت به صندوق‌های بازنشستگی می‌داد تضمینی نبود که بنحو موثر و سازنده هزینه شود و ضبط و ربط آن مشخص نبود، به همین دلیل مجلس، بر اساس لایحه پیشنهادی دولت، این قانون را تصویب کرد که

صندوق‌های بازنشستگی و موسساتی که از دولت کمک دریافت می‌کنند به‌صورتی تغییر ساختار پیدا کنند که پول‌هایی که از دولت دریافت می‌کنند به نحو صحیح استفاده شود و این‌طور نباشد که خرج روزمره شود و به عبارتی صندوق از دولت پول نگیرد که مستمری بازنشستگان را پرداخت کند و به گونه‌ای باشد که پولی که از دولت می‌گیرند در زیرساخت‌ها و برای توانمند کردن صندوق‌ها هزینه شود تا بتوانند روی پای خود بایستند.»

رئیس هیات مدیره کانون بازنشستگان مس افزود: «از نظر ما تعبیر و تفسیر ماده ۱۷ قانون ساختار نظام جامع تأمین اجتماعی، تغییر ساختار و اعمال نظارت بیشتر دولت بر صندوق‌های بازنشستگی محتاج به وجوه دولتی بوده، اعم از آن‌هایی که دیون خود را از دولت می‌گیرند یا این که رسماً از دولت کمک دریافت می‌کنند، تا دولت علاوه بر بحث تنظیم‌گری کنترل بیشتری هم بر آن‌ها داشته باشد.»

با اچ‌چوئری منفی کسی سراغ صندوق مس را نمی‌گرفت

وی گفت: «از آن زمان تاکنون حدود ۱۹ سال گذشته است و تعدادی از صندوق‌ها بتدریج زیر نظر دولت رفتند یا زیر نظر دولت هستند به گونه‌ای که بنا به فرمایشات وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۹۴ درصد بازنشستگان کشور تحت پوشش صندوق‌هایی هستند که در حال حاضر زیرمجموعه این وزارتخانه قرار دارند که دو صندوق مهم آن تأمین اجتماعی و صندوق بازنشستگی کشوری است. صندوق‌های دیگر نیز مانند صندوق عشا، فولاد و آینده‌ساز، به تدریج به زیرمجموعه این وزارتخانه اضافه شدند.»

زارع با بیان این‌که دولت بعد از ۱۹ سال سراغ صندوق بازنشستگی شرکت مس آمده است، اظهار کرد: «مانی که صندوق مس قادر به تأمین هزینه‌های خود نبود و اچ‌چوئری این صندوق منفی بود و به کمک نیاز داشت و هر سال و حتی هر ماه از شرکت ملی صنایع مس کمک می‌خواست، کسی سراغی از این صندوق نمی‌گرفت، اما اکنون که روی پای خود ایستاده و وضعیت پایداری پیدا کرده، دولت با استناد به تکلیف قانونی خود، با جدیت به فکر تغییر اساسنامه و انتقال صندوق مس به زیر مجموعه وزارت رفاه افتاده است.»

وی افزود: «صندوق بازنشستگی مس خصوصی و مختص شرکت ملی صنایع مس ایران است و من می‌توانم به جرات بگویم هیچ صندوقی در ایران مشابه صندوق مس نیست. صندوق‌های اختصاصی دیگری هم وجود دارد اما هیچ‌کدام مانند صندوق ما خصوصی نیستند. پیدایش صندوق بازنشستگی مس و رشد آن به‌صورت خصوصی بوده، هیات امنایی که این صندوق را تأسیس کردند برای تأسیس این صندوق نه از دولت مجوز گرفتند و نه از مجلس. اساسنامه صندوق را هیات امنا تصویب کرده و هیچگاه این اساسنامه به تصویب دولت نرسیده است. حتی زمانی که شرکت ملی صنایع مس ایران دولتی بوده، هیچ‌یک از ارکان دولت در هیات امنا و هیات‌مدیره صندوق مس حضور نداشتند. در صندوق‌های دیگر حداقل یکی از مقام‌های دولتی مانند یکی از وزرا عضو هیات امنا هستند و یا در صندوق‌های اختصاصی‌ای مانند آینده‌ساز، کل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکت‌های تابعه آن و همچنین عدده زیادی از پرسنل آن‌ها زیرمجموعه این صندوق هستند و به یک شرکت خاص تعلق ندارد. فقط صندوق بازنشستگی نفت نیز همین‌طور، فقط شرکت ملی نفت ایران نیست و شرکت‌های نفتی تابعه وزارت نفت همه در این صندوق مشارک دارند. حتی صندوق فولاد که نزدیک‌ترین صندوق به ما بوده نیز به همین شکل است و شرکت‌های فولاد زیادی در آن مشارک دارند. شاید تنها صندوقی که به‌صورت خصوصی تأسیس شده و فقط یک شرکت در آن است، صندوق بازنشستگی مس است. صندوق‌های صداوسیما، بانک مرکزی، بیمه ایران، هواپیمایی،

کارشناسان و وکلای دادگستری و غیره نیز هر کدام به نحوی شرایط متفاوتی دارند.»

زارع ادامه داد: «البته از چند سال پیش مکاتباتی از سوی وزارت رفاه در ارتباط با تغییر اساسنامه صندوق بازنشستگی مس با این صندوق شروع شده بود و متأسفانه مدیریت‌های وقت صندوق بازنشستگی مس و شرکت ملی صنایع مس ایران، عملاً و آن‌طور که باید عکس‌العمل نشان ندادند و بیشتر از کنار موضوع عبور کردند تا به آن بپردازند. هر زمان که نامه‌ای از سوی وزارت رفاه ارسال شد و یا درخواست جلسه کردند، در جلسه و یا در پاسخ به نامه اعلام کردند که صندوق بازنشستگی مس اصلاً مشمول این قانون نمی‌شود و استثنا است. در واقع آن‌ها به نامه‌نگاری یا مذاکرات شفاهی و قید در صورت‌جلسات بسنده کردند و هیچ‌وقت به‌صورت جدی برای حل و فصل این موضوع برای همیشه، اقدام بایسته قانونی نکردند. وزارت رفاه نیز بسته به شرایط، برخورد‌های متفاوتی داشته است.»

شکل‌گیری یک صندوق کاملاً خصوصی

عضو هیات مدیره صندوق بازنشستگی کارکنان مس با اشاره به تاریخچه شکل‌گیری صندوق بازنشستگی مس توضیح داد: «از سال ۱۳۶۱ که صندوق تأسیس نشده بود، هیات امنای شرکت ملی صنایع مس ایران، فصل بازنشستگی آیین‌نامه استخدامی شرکت ملی فولاد ایران را عیناً به آیین‌نامه استخدامی مس ملحق کرده و بر اساس آن کسورات بازنشستگی از پرسنل کسر می‌شده تا بازنشست شوند و تا سال ۱۳۸۰ بدون تأسیس رسمی صندوق، بر اساس آن فصل بازنشستگی عمل می‌شد. البته کسورات بازنشستگی به حساب مستقلی واریز می‌شده و قرار بوده با این کسورات کار شود و حقوق بازنشستگان پرداخت شود و به‌همین منظور در سال ۱۳۶۷ شرکت سرمایه‌گذاری مس سرچشمه توسط هیات امنا و بدون دخالت دولت یا اخذ مجوز دولتی تأسیس گردیده است.»

وی در توضیح بیشتر افزود: «از سال ۱۳۶۱ تا سال ۱۳۸۰ این قاعده ادامه پیدا می‌کند تا این‌که سال ۱۳۸۰ هیات امنای این حساب، صندوق بازنشستگی شرکت ملی صنایع مس ایران را به‌عنوان یک صندوق مستقل تأسیس می‌کنند. چند فرد حقیقی، صندوق بازنشستگی را در اداره ثبت شرکت‌ها ثبت می‌کنند و برای این کار به هیچ عنوان مجوز دولت یا مجلس گرفته نشده است. اساسنامه را هم خودشان تدوین می‌کنند و صرفاً به تصویب هیات امنای صندوق (و نه دولت یا مقامات دولتی) می‌رسد.»

زارع با اشاره به ماجرابی که در گذشته بارستگین مالی برای صندوق داشته خاطرنشان کرد: «بعد از گذشت چند سال از تأسیس صندوق، کاری انجام می‌شود که بار مالی سنگینی به صندوق تحمیل می‌کند و برای قضاوت در باره این موضوع باید در آن موقعیت قرار بگیریم تا بدانیم کار درستی بوده است یا غلط. سرپرست وقت شرکت ملی صنایع مس ایران در سال ۱۳۷۲، تعداد زیادی پرسنل کارگری را تغییر وضعیت می‌دهد و بعد یک شبه آن‌ها را با سوابق کاری خیلی پایین با دادن سنوات ارفاقی بازنشست می‌کند. هدف تعدیل نیروی انسانی بوده است، ولی این کار برای صندوق بار مالی خیلی سنگینی ایجاد کرد و از آن سال به بعد اچ‌چوئری صندوق منفی می‌شود، یعنی درآمد صندوق کفاف هزینه‌هایش را نمی‌داد و تا سال‌ها، با کمک‌های شرکت ملی صنایع مس ایران اداره می‌شد.»

وی گفت: «شرکت ملی صنایع مس ایران طبق همان فصل بازنشستگی که به آیین‌نامه استخدامی شرکت ملی صنایع مس ایران ملحق شده بود، موظف بود کسری اچ‌چوئری صندوق بازنشستگی مس را بپردازد که هر ساله این کار انجام می‌شد. کسری اچ‌چوئری صندوق هر سال تشدید شد تا این که در سال ۱۳۹۷ به مرحله تصمیم‌گیری و چاره‌جویی می‌رسد.»

زارع یادآور شد: «شرکت مس که از سال

۱۳۸۶ خصوصی شده بود تصمیم می‌گیرد ورودی صندوق را ببندد، در نتیجه صندوق مشارک جدیدی نمی‌گیرد و با اعضای قبلی ادامه می‌دهد.»

تصمیم برای انحلال صندوق مس

وی اظهار کرد: «با توجه به کسری اچ‌چوئری که هر سال ادامه داشت و تشدید می‌شد، در سال ۱۳۹۷ هیات امنای صندوق یک مشاور می‌گیرند تا موضوع را بررسی کند و برای ادامه حیات صندوق نقشه راه تعیین کند، من سال ۱۳۹۱ رئیس هیات‌مدیره صندوق بوده و خودم شاهد این مساله بودم که هر ماه زمان پرداخت حقوق به دلیل این‌که صندوق کمبود نقدینگی داشت سراغ شرکت ملی صنایع مس ایران می‌رفت و شرکت به سختی و با شرایط خاصی با پرداخت به صندوق موافقت می‌کرد.»

رئیس هیات مدیره کانون بازنشستگان مس ادامه داد: «سال ۱۳۹۷ شرکت اندیشه فاخر به‌عنوان مشاور صندوق تعیین می‌شود و این شرکت مشاور بعد از بررسی موضوع، به هیات امنا پیشنهاد می‌دهند که با توجه به اختیاری که در اساسنامه به هیات امنا داده شده، صندوق بازنشستگی مس طرف سه سال منحل شده و دارایی‌ها و تعهدات آن به شرکت ملی صنایع مس ایران منتقل شود. در واقع نظر مشاور این بود حالا که شرکت مس دارد هزینه‌های صندوق و غیرمستقیم حقوق بازنشستگان را پرداخت می‌کند، خودش مستقیم این کار را انجام دهد و لقمه را دور سر نگرداند. این موضوع در هیات امنا مطرح و تصویب می‌شود و نام آن را «امور شدن» می‌گذارند تا وضعیت حقوقی بازنشستگان و اموال و تعهدات صندوق در قبال آن‌ها، به شرایط سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۰ برگردد که صندوق نبود و فقط امور بازنشستگی در دل شرکت ملی صنایع مس ایران وجود داشت.»

وی افزود: «البته مشکلاتی مانند تعیین تکلیف اموال صندوق، ارزش‌گذاری اموال و چگونگی انتقال اموال نیز بر سر راه وجود داشت، شرکت مس از سال ۱۳۸۶ خصوصی شده بود و یک شرکت بورسی بود و برای انتقال دارایی‌های صندوق بازنشستگی به شرکت مس باید مجوز بورس نیز دریافت می‌شد، زمانی که به بورس مراجعه می‌شود تا مجوز اصلاح اساسنامه شرکت ملی صنایع مس ایران برای درج خدمات بازنشستگی داخل آن را بگیرند، (شرکت ملی صنایع مس ایران شرکتی است که مس تولید می‌کند و اگر بخواهد خدمات دیگری ارائه کند باید در اساسنامه آن قید شود) بورس اعلام می‌کند بر اساس قوانین موجود، برای این‌که شرکتی بتواند خدمات بیمه و بازنشستگی بدهد باید مجوز وزارت کار را دریافت کند. در نتیجه با وزارت رفاه نامه‌نگاری می‌کنند، اما وزارت رفاه پاسخ نامه را نمی‌دهد و کارگروهی که برای «امور شدن» تعیین شده بود قرار جلسه‌ای را با وزارت رفاه می‌گذارد و به آنجا مراجعه می‌کنند. وزارت رفاه بعد از شنیدن صحبت‌ها و مکاتباتی که انجام شده بود، صورت‌جلسه‌ای را در دو بند تهیه

می‌کند که در بند اول آن قبول می‌کند جواب نامه قبلی صندوق را بدهد، یعنی بنحو صریح و مستقیم در این صورت‌جلسه با تغییر اساسنامه موافقت نمی‌کند و در بند دوم این صورت‌جلسه نیز قید می‌شود صندوق باید شامل ماده ۱۷ را بپذیرد که این دو مورد کاملاً با یکدیگر متناقض بوده است.»

زارع خاطرنشان کرد: «از کسانی که این صورت‌جلسه را امضا کردند علت قبول این موارد را سوال کردم اما جواب قانع‌کننده‌ای دریافت نکردم. ظاهر موضوع این است که می‌گویند ما به دلیل این‌که می‌خواستیم منحل بشویم دیگر کاری نداشتیم که بر اساس ماده ۱۷ چه اتفاقی قرار است بیفتد، در صورتی که این‌ها نقیض یکدیگر هستند. وزارت رفاه مدعی است من به آن‌ها مجوز دادم تا به خدمات بیمه‌ای که شرکت مس به بازنشستگان می‌دهد جنبه قانونی بدهند و آن را در اساسنامه شرکت مس بگنجانند که کماکان به صندوق خدمات بدهند که این خدمات‌دهی و کمک‌ها در قانون ساختار نظام جامع تأمین اجتماعی پیش‌بینی شده است که کمک‌هایی که صندوق‌ها از جاهای مختلف دریافت می‌کنند می‌تواند ادامه داشته باشد و در همین راستا با این موضوع موافقت کردیم و اصلاً موضوع انحلال صندوق مطرح نبوده است و در مکاتباتی که با وزارت رفاه شده نیز تصریح نشده است و از سوی دیگر در بند دوم صورت‌جلسه نوشته که شما باید شامل ماده ۱۷ را بپذیرید، یعنی بپذیرید اساسنامه صندوق تغییر کند و عملاً زیر نظر وزارت رفاه قرار بگیرید. دو موضوع از دیدگاه دوطرف کاملاً متناقض در این صورت‌جلسه قید شده که یکی در بند ۱ دنبال مجوز امور شدن و انحلال صندوق و انتقال اموال آن به شرکت مس و دومی در بند ۲ دنبال ابقا و انتقال آن به وزارت رفاه بوده‌اند.»

تصویب مصوبه‌ای

بدون حضور صندوق مس

زارع با بیان این‌که این اتفاق اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۹ رخ می‌دهد، گفت: «پس از امضای این صورت‌جلسه مساله اعمال ماده ۱۷ تسریع می‌شود، قبلاً مکاتباتی صورت گرفته بوده و جلساتی نیز گذاشته شده بود، اما هیچ‌یک از طرفین جدی نبودند و همان‌طور که گفتم در جلسات و یا مکاتبات از سوی شرکت مس و صندوق مس اعلام شده بود که این صندوق مشمول این ماده قانونی نمی‌شود و ما مشمول ماده ۱۷ قانون ساختار نظام جامع تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۸۳ و اصلاحات بعدی آن نیستیم، ولی متولیان امر در وزارت رفاه مسیر خود را ادامه می‌دهند، جلساتی برگزار می‌کنند، اساسنامه جدید صندوق را نهایی و برای تصویب به شورایی رفاه می‌فرستند و از مدیرعامل وقت صندوق مس برای حضور در جلسه ۱۴۰۰/۱۲/۰۵ شورایی رفاه دعوت می‌کنند، اما کسی از سمت صندوق، مس و بازنشستگان بی‌خبر در این جلسه سرونوشت‌ساز شرکت نمی‌کند و نهایتاً موضوع به تصویب

